

■ بازیگر «کهنه‌سوار» درگذشت

سیدمحمدحسین پناهی، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون دار فانی را وداع گفت. پناهی در سال ۱۳۷۷ دوره پرتلاشی را در عرصه سینما و تلویزیون گذراند و در سریال «کهنه‌سوار» به کارگردانی اکبر خواجویی در کنار بازیگرانی همچون محمدعلی کشاورز، حمیده خیرآبادی، محمود پاک‌نیت و حسین ابراهیمی به بازی پرداخته است. وی در هفت اثر سینمایی به ایفای نقش پرداخته بود.

■ جان ویلیامز بازنشسته نمی‌شود

جان ویلیامز، آهنگساز ۹۰ساله گفت حتی پس از بازنشستگی برای فیلم‌های اسپیلبرگ آهنگ می‌سازد و نه گفتن به اسپیلبرگ محال است! ویلیامز تابستان خبر داده بود «فابلمن‌ها» و «اَیندیانای جونز» آخرین فیلم‌هایی خواهند بود که برایشان آهنگ می‌سازد و پس از آن بازنشسته می‌شود. ویلیامز، نامزد ۵۲ اسکار است که ۱۷ مورد از نامزدی وی در اسکار برای فیلم‌های اسپیلبرگ رقم خورده است.

■ گلایه از دستمزد پایین هنرمندان پیشکسوت

فریده دریاچ که این روزها درسریال «گیلدخت» ایفای نقش کرده‌است، ضمن گلایه از وضعیت دستمزد پایین هنرمندان پیشکسوت به ایسنا گفت: خیلی از افراد که توانایی بالایی در نقش آفرینی دارند، صرفاً به دلیل مسن بودن، دستمزدهای پایینی می‌گیرند و هنوز هم من دلیل این مسئله را متوجه نشده‌ام. افرادی که درس این حوزه را خوانده‌اند و کارشان را هم به‌خوبی بلد هستند، چرا باید دستمزدهای پایین‌تر بگیرند؟

■ کارگردانی که دوست دارد با تلویزیون همکاری کند

مسعود آب‌پرور، کارگردان سریال‌هایی چون «عملیات ۱۳۵»، «هوش سیاه»، «زخم» و «لژیونر» که به تازگی از شبکه ۵ بازپخش می‌شود درباره همکاری با تلویزیون به ایسنا گفته است: من دوست دارم با تلویزیون کار کنم اما به نظر می‌آید برنامه‌های تلویزیون برای ما معلق است؛ نه دعوتی صورت گرفته و نه پیشنهاد کار جدیدی به ما می‌دهند اما کارهای قبلی ما را بازپخش می‌کنند.

◀ دست کوتاه رمان از جایزه ۲۵۰ میلیونی جلال

برگزیدگان پانزدهمین جایزه جلال آل احمد شامگاه شنبه ۲۴ دی در چهار بخش اصلی به شرح زیر معرفی شدند:

نقد ادبی: بخش نقد ادبی برگزیده نداشت و دو کتاب

جشنواره



توجه رهبر معظم انقلاب به کتاب

«خاتون و قوماندان»

کتاب «خاتون و قوماندان» نوشته مریم قربان زاده که روایت زندگی ام‌البین حسینی همسر شهید علیرضا توسلی (ابوحامد) فرمانده لشکر فاطمیون است، مورد توجه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است.

مریم قربان زاده به فارس گفته است: از دختر حضرت آقا تماس گرفتند و گفتند: حضرت آقا فرمودند سلام ایشان را به شما برسانیم و پیامشان را بگوییم: «از خواندن کتاب خاتون و قوماندان لذت بردم. چه کار خوبی کردید که این حوادث را ثبت کردید».

صبا کریمی۱ شامگاه

شبه گذشته در اختتامیه پانزدهمین جایزه جلال آل احمد، کتاب «عزرائیل» نوشته نیما اکبرخانی به همراه کتاب «صور» نوشته حسین‌علی جعفری به عنوان اثر شایسته تقدیر معرفی شدند.

اکبرخانی نویسنده «عزرائیل» نویسنده جوانی است که سراغ یک ژانر متفاوت و روایت داستانی پرهیجان رفته است. او که آثاری همچون «اثریا» و «زلزله ده ریشتری» را در کارنامه خود ثبت کرده در مجموعه تازه‌اش یعنی «عزرائیل» در دو جلد «روزهای تاریک» و «کهنه سرباز» تریلری را به تصویر کشیده که با درونمایه‌ای امنیتی جاسوسی، اتفاق‌های مختلفی از ۴۰سال گذشته را روایت می‌کند و داستانش حول محور یک بازپرس ویژه و قاتل می‌گردد.



با اکبرخانی درباره «عزرائیل»، انگیزه او از نگارش آن و وضعیت گونه‌های مهجوری همچون تریلر و داستان‌های سیاسی و جاسوسی در ادبیات داستانی ایران به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

■ چطور شد که «عزرائیل» را نوشتید؟

من در دوران نوجوانی به تاریخ معاصر به ویژه اتفاق‌های نیم قرن اخیر علاقه‌مند شدم و وقایع سال ۵۰ به بعد برایم خیلی جذاب بود و مطالعات بسیاری هم درباره آن داشتم و از طرفی علاقه‌مند بودم این اطلاعات را به شکلی به دست دیگران برسانم و این شد که یک داستان نوشتم. البته این اطلاعات را با پژوهش‌های خاصی بدست نیاوردم و همه آن‌ها از قبل وجود داشته و شاید خواننده نمی‌شده؛ چون عموماً کتاب‌های تاریخی حاصل پژوهش‌اند و خشک نوشته می‌شوند و باید خیلی به این وادی علاقه‌مند باشی که آن‌ها را بخوانی. من سعی کردم این اطلاعات را در قالب داستان بیاورم و از آنجایی که خودم هم آدم رمان‌خوانی بودم و علاقه داشتم روزی کتاب بنویسم این شد که مجموعه «عزرائیل» به عنوان دومین کتابی که به رشته تحریر درآوردم در قالب «کهنه سرباز» منتشر شد.

■ چقدر از داستان در فضای واقعی روایت می‌شود و به واسطه خط تاریخی که دارد از چه منابعی استفاده کردید؟

همه شخصیت‌های داستان تخیلی هستند و منابعی که برای نگارش این کتاب استفاده شده برگرفته از داده‌های رسمی است و اصلاً این‌طور نبوده که به اسناد و مدارک خاصی دسترسی داشته باشم؛ تقریباً همه اطلاعاتش را از کتاب‌های مرکز اسناد، مرکز مطالعات و پژوهش‌های سیاسی و خاطرات انقلاب اسلامی که در سوره مهر منتشر شده، جمع‌آوری کردم.

■ چرا جلد کتاب «۱/۵» است و چه کارکردی در رمان دارد؟

بیشتر زیاد دیده بودم که در ادبیات خارجی

گفت‌وگو با نویسنده رمان شایسته تقدیر در جایزه جلال توجه مخاطبان به داستان‌های امنیتی و سیاسی



«کهنه سرباز»، رمانی با مضمون امنیتی، سیاسی و تاریخی است که به وقایعی از دهه ۶۰ تا سال ۱۳۹۳ می‌پردازد. داستان از جایی آغاز می‌شود که یک نیروی بازپرس ویژه سازمان حفاظت نیروهای مسلح پرونده چند قتل به دستش می‌رسد و متوجه می‌شود معمایی درباره این پرونده وجود ندارد زیرا قاتل را شناسایی کردند. اما نکته‌اش اینجاست که قاتل این پرونده سابقه نظامی داشته و به همین دلیل او را از اختیار نیروی انتظامی خارج کردند و به سازمان حفاظت نیروهای مسلح تحویل دادند. بازپرس متوجه می‌شود این فرد یکی از رزمندگان پنام و خوش سابقه دوران دفاع مقدس است و داستان ادامه پیدا می‌کند و به این‌ترتیب مخاطب یک فصل با قاتل همراه می‌شود و فصل دیگر با پلیس.

آثار معدودی داریم اما به صورت یک جریان جدی سراغش نرفته‌اند. من معتقدم تا محتوا تولید نشود مخاطبش هم به وجود نمی‌آید. در ایران بسیاری از نویسندگان به چند گونه رایج همچون جریان اصلی، اجتماعی، عاشقانه ... و چسبیده‌اند و اغلب هم نسل به نسل روی همان‌ها مانور داده شده و نمی‌دانم چرا سراغ گونه‌های دیگر نمی‌رویم، در حالی که همه فکر می‌کنند این گونه مخاطب ندارد پس نمی‌نویسند اما اگر بنویسیم مخاطبش هم پیدا می‌شود. ضمن اینکه ما به اندازه وزن ادبیاتمان فانتزی نداریم. مثلاً گونه‌ای مانند «ارباب حلقه‌ها» و «هری پاتر» در دنیا طرفدار زیاد دارد اما در ایران با وجود اینکه شاهنامه، قصه‌های اساطیری، داستان پریان و... داریم ولی از آن‌ها استفاده‌ای نکرده‌ایم.

از یک و نیم استفاده می‌کنند که در واقع همان اسپین آف است، اما زمانی که از اعداد استفاده می‌شود یعنی جایگاه آن اسپین آف را تعریف می‌کنند؛ مثلاً در دنبای «ارباب حلقه‌ها» فرقی نمی‌کند کدام اسپین آف را زودتر بخوانید اما وقتی اعداد می‌زنند یعنی باید بین یک و دو خوانده شود.

کارکردش هم این است که عموماً چند شخصیت دیگر به جریان اصلی داستان اضافه می‌شوند. مثلاً داستانی که مخاطب در کتاب «کهنه سرباز» می‌خواند در «عزرائیل» یک و نیم، حتی یک خط هم جلو نمی‌رود زیرا فقط می‌خواهیم شخصیت پردازی مفصلی برای چند نفری که قرار است به داستان اضافه شوند انجام دهیم.

■ ادبیات جهان مملو از تریلرهای متنوع است که نسخه سینمایی آن‌ها هم ساخته شده اما چقدر این گونه میان نویسندگان ایرانی طرفدار دارد؟

این گونه در ادبیات جهان به شدت پراقبال و پولساز است اما در ایران مهجور واقع شده و به نظرم نخستین دلیلش این است که کسی سراغش نرفته است.

به عنوان یک جایزه دولتی مطرح است با اینکه حتماً اثر من ضعف فرمی و تکنیکی هم داشته اما از آن استقبال کرده و از سویی دیگر مخاطب هم به کتاب اقبال نشان داده است. ببینید! من نویسنده‌ای نیستم که اسم مطرحی داشته باشم و این کتاب بدون هیچ گونه تبلیغات عجیب و غریبی ظرف یک سال سه بار تجدید چاپ و در جایزه جلال هم شایسته تقدیر شده است شواهد نشان می‌دهد هم حاکمیت و هم مردم این سبک داستان را می‌پسندند.

■ شاید به این دلیل است که موضوع رمان شما هم برای حاکمیت جذاب است.

این طور نیست و خیلی‌ها که رمان را خواندند به من گفتند در این کتاب اتفاقاً انتقاد هم کرده‌ای! به نظر باید به این موضوع هم در فضای فانتزی نگاه کرد؛ مثلاً کشوری مانند مغولستان که هیچ وقت ماجرای امنیتی و چالشی نداشته شاید برایش سخت باشد که چنین کتابی بنویسد اما ما در ۵۰-۴۰ سال اخیر کلی ماجرای امنیتی و سیاسی داشتیم؛ از مجاهدین خلق گرفته تا چریک‌های فدایی خلق، کومله و... و همه این‌ها زمینه‌ای است که برایش داستان بنویسیم.

■ این سبک را ادامه می‌دهید؟

فعلاً بله و مجموعه «عزرائیل» که ادامه دارد و جلد بعدی آن هم اواخر پاییز ۱۴۰۲ منتشر خواهد شد.

■ نظر شما درباره جایزه جلال و تأثیر آن بر فضای ادبی کشور چیست؟

بیشتر در حرف‌هایم به حاکمیتی بودن جایزه جلال اشاره کردم که اصلاً وجهه منفی و ضعف نداشت؛ واقعیت این است که معتبرترین جایزه‌های ادبیات دنیا حاکمیتی هستند و اگر حاکمیت از جریان‌های ادبی حمایت نکند در بازار ناپود می‌شوند؛ همین حالا نشریهایی مانند واشنگتن پست و نیویورک تایمز از دولت آمریکا یارانه می‌گیرند یا نوبل توسط انجمن سلطنتی سوئد برگزار می‌شود و جایزه انجمن سلطنتی بریتانیای وجود دارد. اما به نظرم می‌توان یک نقطه قوت و ضعف برای جایزه جلال برشمرد؛ نخست اینکه این جایزه در میان قشر کتاب‌باز و درگیر کتاب شناخته شده و اثر خوبی هم می‌گذارد و همه اخبارش را دنبال می‌کنند.

ضعفش این است که این شهرت را در میان مردم ندارد. مثلاً برخی جایزه‌های معتبر جهانی مبلغ چشم‌گیری ندارند اما آن قدر اعتبار دارند که وقتی لوگوی آن بر جلد کتابی منتشر می‌شود مساوی با فروش هزار نسخه کتاب است. از این منظر جایزه جلال باید به مردم معرفی شود.

■ درباره اینکه جایزه جلال معمولاً در بخش رمان برگزیده‌ای اعلام نمی‌کند، نظری ندارید؟ تصمیم هیئت داوران همین بوده و نسبت به این مسئله انتقادی ندارم.

شاید آثار به گونه‌ای بوده که هیچ اثری نتوانسته نظر داوران را جلب کند و عنوان برگزیده این بخش را دریافت کند.

زاویه دید پاسخ دبیرعلمی جایزه ادبی جلال به دو پرسش قدس زنگ خطری که هر ساله به صدا درمی‌آید!



خدیجه زمانیان۱ پانزدهمین دوره جایزه ادبی جلال در حالی برگزار شد که اعلام کرد که به گفته وجهیه سامانی، دبیر این دوره، ۶۷۶ اثر از ۸۵۸ ناشر به دبیرخانه ارسال شده و آثار در چهار بخش اصلی داستان بلند و رمان، داستان کوتاه، مستندنگاری و نقد ادبی با هم به رقابت پرداختند. سال گذشته مبلغ جایزه جلال نسبت به دوره‌های پیش از آن افزایش یافت و به ۲۵۰ میلیون تومان برای برگزیدگان و ۵۰ میلیون تومان برای شایستگان تقدیر رسید که امسال نیز همین مبلغ در نظر گرفته شده و جایزه جلال همچنان عنوان گران‌ترین جایزه ادبی را دارد.

وجهیه سامانی به عنوان دبیر این دوره به پرسش‌ها و ابهام‌های این دوره جایزه جلال به طور خلاصه پاسخ داد. او در خصوص چرایی برگزیده نداشتن دو بخش رمان و نقد ادبی گفت: «اینکه باید برگزیده داشته باشیم یا خیر را نظر و خواست اهالی رسانه و توقع اهالی کتاب مشخص نمی‌کند بلکه کیفیت کتاب‌های موجود و سطح آن‌ها در منظر سخت‌پسند داوران در هر دوره، تعیین‌کننده این مطلب است. اگر در بخشی، آثار به لحاظ تکنیک و ساختار یا محتوا و مضمون دچار کاستی باشند، وظیفه اخلاقی و حرفه‌ای داوری حکم می‌کند با انتخاب و عدم انتخاب خود به جامعه ادبی و دست‌اندرکاران و متولیان حوزه نشر و کتاب هشدار دهد. این فشار و تحمیل از سوی رسانه‌ها به داوران در طول مدت زمان داوری هم وجود داشت که به‌نظر به نوعی دخالت در امر قضاوت و مهندسی کردن داوری در راستای خواست دلخواه جامعه ادبی و اصحاب حضور ناشران خاص و تکرار عنوان این گاهی برگزیده نداشتن به صدا درآوردن زنگ خطر، آسیب‌شناسی و توجه دادن دلسوزان حوزه نشر و ادبیات است.»

■ گران‌ترین جایزه برای چند ناشر خاص

مسئله دیگری که در جشنواره این دوره وجود دارد و البته کمابیش در جشنواره‌های قبلی هم دیده شده حضور ناشران خاص و تکرار عنوان این ناشران در بخش‌های مختلف است. آیا فضای ادبی کشور ما آن قدر تنوع ندارد که ناشران بیشتری در گران‌ترین جایزه دولتی به رقابت با هم بپردازند؟ سامانی در پاسخ به این پرسش هم گفته است: «داوری در جلال یک فرایند تخصصی و حاصل روزها و هفته‌ها کار کارشناسی و ارزیابی و چندین ساعت جلسات حضوری بحث و جدل و اقناع و اجماع است. در یک بازه زمانی چند هفته‌ای مطابق آیین‌نامه سه داور منتخب توسط هیئت علمی جایزه، به کار قضاوت و بررسی آثار می‌پردازند و طی چند مرحله به نامزدهای هر بخش می‌رسند. در مرحله نهایی نماینده هیئت علمی و دبیر علمی جایزه به فرایند داوری اضافه می‌شوند و انتخاب کتاب‌های نهایی برگزیده یا شایسته تقدیر، توسط این گروه پنج نفره انجام می‌شود.

در این دوره ترتیبی اتخاذ شده بود که برای جمع‌بندی جلسه نهایی، امتیاز داوران به کتاب‌های کاندیدا برای ارائه در جلسه آماده شده بود. اگر جلسه با اقناع و بحث و گفت‌وگو به اجماع نمی‌رسید، به امتیازها رجوع می‌شد. بنابراین عملاً امکان اعمال سلیقه و ورود نظرات شخصی در انتخاب نهایی ممکن نبود.

با وجود پاسخ‌های وجهیه سامانی، باید گفت وقتی تنوع فضای ادبی کشور نادیده گرفته می‌شود و طیف‌های مختلف فکری در تیم داوری و اعضای هیئت علمی یک جایزه وجود نداشته باشد هر چند به گفته دبیر جشنواره آثار در چند مرحله و توسط گروه‌های مختلف داوری شود اما تأثیری در کلیت جشنواره ندارد و خروجی یک جشنواره همین می‌شود: انتخاب چند اثر از ناشران خاص و تکراری.

برگزاری پانزدهمین جایزه جلال و انتخاب برگزیدگان ما را به این باور می‌رساند که جلال گران‌ترین جایزه ادبی کشور نیست بلکه گران‌ترین جایزه برای چند نشر خاص است!

«نام‌ها»ی رضامیر کریمی بهشبکه مستندترسید

مجموعه انیمیشن «نام‌ها» از شب گذشته راهی شبکه مستند شد. بخش این مجموعه انیمیشن، به مدت چهار هفته یکشنبه‌ها با اپیزود شهید چمران آغاز و در ادامه به مرور زندگی شهید دوران، شهید باقری و شهید باکری می‌پردازد. این مجموعه انیمیشن که ساعت ۲۱:۳۰ پخش می‌شود با فرم کمیک‌موشن ساخته شده است؛ در چهار اپیزود متفاوت به روایت زندگی چهار قهرمان دفاع مقدس؛ شهید عباس دوران، شهید مهدی باکری، شهید مصطفی چمران و شهید حسن باقری می‌پردازد. در این انیمیشن بازیگران مطرحی همچون پرویز پرستویی، فرهاد اصلانی، امیر جعفری، ریمارامین‌فر، شبنم مقدمی و افشین هاشمی به عنوان صدایپیشه حضور دارند.

تلویزیون

بازیگر نقش شمر در مختارنامه:

تهیه‌کننده‌های کاربلد خانه‌نشین شده‌اند

که کارهای الف ویژه برای تلویزیون می‌ساختند، خانه‌نشین شده‌اند. چند نفری هم که کار می‌کنند دل و دماغی برای کار کردن ندارند و کاش از تجربه و دانش این افراد برای تهیه‌کنندگان جوان استفاده می‌شد.

تهیه‌کنندگان جوان هم که می‌آیند

بازیگر نقش «بسیم‌بیگ» در سریال روزی روزگاری با بیان اینکه نقشی که قرار است تلویزیون درباره نقشی که قرار است ایران می‌گذرد، خاطرنشان کرد: ساخت کارهای تاریخی ویژه، دشواری‌های زیادی دارد و نیازمند زمان‌بندی طولانی است. فیلی با اشاره به کمبود ساخت سریال‌های الف ویژه در تلویزیون، گفت: متأسفانه

تهیه‌کننده‌ها

کاربلد ما